

هیچکاک در قاب

بهرام بیضایی

[یک گفتگو]

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

فهرست

- ۱۱ درباره‌ی این گفتگو
- ۱۳ گفتگو
- ۱۴ سینما و مفهوم آن
- ۱۵ آیا هیچکاک کارگردان مؤلفی است؟
- ۱۶ مشخصه‌ها
- ۳۳ آیا هیچکاک کارگردان سیاسی است؟
- ۳۶ فیلم سالم، نگاه سالم؟ تأثیرگذاری، فاصله‌گذاری
- ۴۰ قهرمانان چرا خوش ظاهرند؟
- ۴۲ شغل شخصیت‌ها
- ۴۳ هیچکاک ساده یا پیچیده؟
- ۴۶ دقت علمی فیلم‌های روانشناسی
- ۵۰ عشق و موقعیت زن
- ۵۹ عشق‌های ناگهانی
- ۶۱ فیلم دیدگاه فیلمساز است یا...
- ۶۶ آیا شخصیت‌های بدجنس بازتاب خود هیچکاک هستند
- ۷۴ گناه و گناه اولیه؛ بازگشت به اساطیر
- ۷۸ هیچکاک، شکسپیر؛ سینما، تئاتر

۸۳ ترس و تعلیق
۸۹ مشخصه‌های کارگردانی: آغازها و معرفی‌ها
۱۱۳ تدوین
۱۱۵ صحنه‌های چند لایه‌ای
۱۲۸ آیا شوخی مغایر دلهره و تعلیق است؟
۱۲۸ پایان خوش
۱۳۵ تصاویر
۱۶۷ سیاهه‌ی فیلم‌های یادشده‌ی هیچکاک
۱۷۰ سیاهه‌ی نام‌های یاد شده‌ی دیگر
۱۷۳ سیاهه‌ی تصاویر

درباره‌ی این گفتگو

در تابستان ۱۳۷۰ بررسی سینمای هیچکاک به عنوان یک برنامه‌ی کمک‌درسی به کوشش مجتمع آموزش فیلمسازی برای هنرجویان مجتمع و دیگر دانشجویان علاقمند سینما برگزار شد که با یک رشته نمایش فیلم و سخنرانی توسط منتقدان، مدرّسان و فیلم‌شناسان همراه بود. سخنران مهمان جلسه‌ی پایانی بهرام بیضائی بود، که منظم شده و گسترش‌یافته‌ی گفت‌وگوی او با هنرجویان در واپسین نشست بررسی سینمای هیچکاک را در این صفحات می‌خوانید. این نشست از ساعت نه صبح تا پس از یک بعد از ظهر روز جمعه دوازدهم مهرماه ۱۳۷۰ در سینما تئاتر کوچک تهران روی داد؛ و از آنجا که فرصت کافی نبود، پاسخ پرسش‌های کتبی جا مانده را بعداً بیضائی بر پاسخ‌های ضبط شده افزود. حاضران، و شاید حتی دعوت‌کنندگان غایب جلسه هم نمی‌دانستند که این نشست، پایان کار «مجتمع» نیز بود.

بیضائی: من خواهش کردم اعلام کنند این جلسه‌ی گفتگوست نه سخنرانی، چون نه من سخنران هستم و نه شما کم در زندگی سخنرانی شنیده‌اید. به من گفته شد که شما حدود بیست فیلم هیچکاک را در این دو سه ماه گذشته دیده‌اید. متأسفانه فرصتی پیش نیامد و فیلمها به دستم نرسید که من هم آنها را ببینم، و بنابراین در ارجاع به فیلمها امیدوارم حافظه به دادم برسد. حُب، شما می‌خواهید من راجع به چی صحبت کنم؟ [هممه] نفهمیدم - مفهوم سینما؟ [هممه] من راجع به هرچه شما بخواهید حرف می‌زنم، تا جایی که بلد باشم؛ جایی هم که بلد نباشم می‌گویم بلد نیستم. حُب؟ پس برگردم به اولین چیزی که شنیدم؛ راجع به مفهوم سینما. خیال می‌کنم این بحث آنقدر کلی و آنقدر طولانی و آنقدر بی‌در و پیکر است که همه‌ی جلسه‌ی ما را خواهد گرفت؛ به اضافه‌ی این که آنقدر ساده و بدیهی است که احتیاج به بحث ندارد. اگر در طول صد سال گذشته معلوم نشده مفهوم سینما چیست در این جلسه هم معلوم نخواهد شد. پس بیاییم زودتر از این بحث دامنه‌دار رد بشویم و برسیم به آنچه که قرار بوده امروز اینجا مورد

بحث باشد و بیشتر شما برای همین امروز اینجا جمع شده‌اید. کوتاه بگویم که مفهوم سینما تا آنجا که من می‌فهمم، هیچ برتری یا جدا از دیگر هنرها نیست. یعنی در گوهر، وسیله‌ی بیان است؛ مثل همه‌ی هنرهای دیگر؛ که میان بخشی از مردم با بخش دیگری از مردم رابطه برقرار می‌کند. یک وسیله است که با آن همه چیز می‌توان گفت؛ خوب یا بد؛ پیشرفته یا پس مانده. خودش مفهوم ندارد؛ وسیله است. مثل ساز که تا نوازنده‌ای آن را به صدا درنیورد ازش هیچ آهنگی در نمی‌آید؛ و وقتی درآمد مفهومش همانست که در سر آن نوازنده گذشته. اما ضمناً سینما به سادگی یک ساز نیست، و در آن نقش کارکنان و عوامل بسیار زیادی جداً تعیین‌کننده است. فیلمبردار و افراد فنی، بازیگران، نویسندگان، تدارکی‌ها، صحنه‌سازان و غیره و غیره که همه هم باید زندگی کنند. به این اضافه کنید وسایل فنی و کارگاه فیلمبرداری و مواد خام و ظهور و چاپ؛ می‌بینید نقش پول در سینما از هر وسیله‌ی بیان دیگری بیشتر است. با پول تهیه‌کننده می‌آید و برای بازگردان پول البته تبلیغات و پخش فیلم و سینمای نمایش‌دهنده، و با اندیشه‌ی سازنده نظارت‌های گوناگون رسمی و غیررسمی و مراجع اداری و مقاومت مصالح و البته منتقدان و فیلم‌شناسان. برای گروهی سینماگران، سینما یک رسانه‌ی فرهنگی است، برای تهیه‌کنندگان یک وسیله‌ی درآمد تجاری، برای اداره‌ی نظارت به یک معنا و برای برخی جرگه‌ها به معنای دیگر، فیلم یک رسانه‌ی سیاسی است که باید هدایت شود. هر کدام مفهوم خود را به سینما می‌دهند. همینطور به نسبت تفاوت میان سازندگان، مفهوم سینما از دید و جهان‌بینی هر کدامشان فرق می‌کند؛ بستگی دارد به این که سازنده از عمق جهالت آمده باشد یا به آخرین دانشها آراسته؛ پس مانده باشد یا نابغه؛ سیاسی باشد یا کنجکاو یا بی تفاوت؛ معترض باشد یا سنتی؛ پژوهنده باشد یا قانع؛ پاسخ همه‌ی سوآلها را داشته باشد یا خود همه سوآل باشد. و همینطور تفاوت‌های

فرهنگی و سیاسی و رفاهی تماشاگران باعث می‌شود هر کدام سینما را به گونه‌ای دیگر بخواهند. نکته‌ی مهم تاریخ سینمای صد سال گذشته جدال کارگردانان با تهیه‌کنندگان بوده، و همینطور با سیاستهای روز؛ تلاش برای مستقل ماندن. پس می‌بینید که مفهوم سینما فرق می‌کند که سازنده باشید، یا تهیه‌کننده، یا سیاستگذار، یا صاحب سینما؛ یا تماشاگر مرفه فرهنگی باشید یا تماشاگر نادار عقب نگه داشته شده؛ در هند باشید یا در جزایر قناری؛ روشنفکر باشید یا عامی و غیره و غیره. سینما وسیله‌ای است با گستره‌ی وسیعی از امکانات بیان، که با تحمیل تعریف محدودی از آن، آن را محدود کرده‌ایم. پس بیایید از این تعریفهای روزنامه‌ای باب روز پرهیز کنیم. تا سینما هست، و بسیار بیش از آنچه سازندگان با آن به گونه‌های مختلف بسازند، در آن امکان نهفته است؛ و نمی‌شود آن را در یک تعریف برای همیشه کوچک و زندانی کرد. خوب، حالا چطور است برگردیم سر جای اولمان؟

پرسش: آیا به نظر شما هیچکاک کارگردان مؤلفی است؟

بیضائی: بله، و یکی از مهم‌ترین آنها. از معدود کارگردانانی است که مشخصه‌های کارش به قدری در جهان شناخته شده که تقریباً ممکن نیست در شناسایی تصاویرش اشتباه کنید؛ و پیوستگی و پیشرفت و به هم پیچیدگی مضمونهاش فقط مال اوست. یعنی در حالی که فیلمبرداران، تدوینگران و طراحان صحنه‌ی جداگانه برای هر فیلم داشته، در نگاه و شیوه‌ی تصویری‌اش یگانگی و تشخیص قاطعی هست که از اوست؛ و چنان ویژه‌ی اوست که دیده‌ایم هر تقلیدی از آن آشکار شده. این تشخیص نه تنها در سلیقه‌ی تصویری است که در شیوه‌ی تدوین و چیدن صحنه‌ها و سامان دادن حرکت دوربین و حرکات